پشت بوم

سوپراستارها رنگ باختند یا رنگ‌ها سوپراستار بودند

حسین عبدالهاشم‌پور

۱- هنوز هم بسیار وسواس دارد. در ارایه عکس‌هایش روی دیوار چنان دقتی به خرج می‌دهد که انگار اگر یک‌میل کج باشد، دنیا کج می‌شود، «عباس کیارستمی» را می‌گویم، به گمانم سینمای ما این‌روزها چنین وسواس‌هایی منبعث از احترام به مخاطب را کم دارد، بسیار هم کم دارد؛ کیارستمی حتی در نمایشگاه‌های گروهی که یکی، دو عکس روی دیوار دارد هم، روز پیش از افتتاحیه در گالری حاضر می‌شود و تا از صحت پرینت عکس روی بوم، سلامت قاب و زاویه تابش نور به نقطه کانونی اثر اطمینان حاصل نکند، نمی‌رود؛ همین تیرماهی که گذشت، در دومین حراج تهران، عکس «گاوگریان» او در سه‌لت روی بوم ارایه شده بود و او از کیفیت چاپ یکی از لت‌ها رضایت کامل نداشت، بنابراین اثر را روی دیوار نرفته پس فرستاد تا با کیفیتی شایسته اعتبار امضای کیارستمی چاپ شود، همین حساسیت را در سینمای کیارستمی سراغ دارم، به یاد دارم سال ۱۳۸۶ در حاشیه بیست‌وششمین جشنواره فیلم فجر در سینمای رسانه‌ها (سینما فلسطین) به اصرار خبرنگاران پذیرفت تا فیلم (به‌زعم من فتوآرت) «راه‌ها»یش اکران شود، برای کیفیت صدا و تصویرش چقدر حرص خورد... عدم وجود چنین وسواس‌هایی سینمای ما را شلخته و سالن‌های سینمای ما را خالی‌تر از همیشه کرده است.

۲- وقتی سالن‌های سینما را خالی‌تر از همیشه می‌بینم، این نکته را باور می‌کنم که همه ما به کسادی بازار سینما عادت کرده‌ایم؛ از فیلم‌های نویی که روی پرده می‌آیند پیداست، مقصد همین پرده و تسویه حساب مالی است، نه ذهن و جان مخاطب! بیماری اپیدمی‌شده «یک‌شبه پول‌دارشدن» که همه شئونات جامعه ایرانی را تحت‌الشعاع قرار داده، دامان سینمای ما را هم گرفته است: فیلم‌های بدقواره، نازل با سوژه‌هایی که کپی دست چندم خارجی‌اند؛ آثاری که با اطمینان از جیب دولت، مثل قارچ می‌رویند، دیده نمی‌شوند و می‌روند، نفس سینمای ایران را به شماره انداخته است؛ ساخت فیلمی ساده که همه‌چیزش سر جایش باشد، دغدغه کمتر فیلم‌سازی است، حتی آنها که روزگاری یک دیالوگ‌شان یا چرخش دوربین‌شان برای خوره‌های فیلم، یک دنیا فلسفه تعبیر می‌شد... بازار این روزهای فیلم ایران، بساز بفروش است؛ چندین گام عقب‌تر از ساختمان‌سازها؛ زیرا اینجا، در سالن‌های سینما، مشتری وجود ندارد که بتوان به آن غالب کرد.

۳- سینمای دولتی به آخر راه رسیده است، آن‌هم در روزهایی که به لطف دو دولت گذشته آفتابه لگن هفت‌دست بود: شورایعالی سینما به ریاست رییس‌جمهور یک سازمان سینمایی پرطمطراق، دوساعت برنامه تلویزیونی زنده و... حالا اما همه نگاه‌ها و امیدها به مدیریت جدید است، انتظار معجزه نیست، بازگشتن به نقطه‌ای که توهمی (از کوبیدن هالیوود تا شکایت از فلان فیلمساز جهانی و خانه فساد خواندن خانه خودی...) در بین نباشد و تصحیح مناسبات؛ همان استانداردسازی که جلیل اکبری‌صحت، مدیر جشنواره فیلم پیش‌رو در رسانه‌ها یادآوری‌اش می‌کند... انشاءالله.

۴- عکس این متن را دوست هنرمندم «محمد نمازی» در یک سفر عکاسی گرفته است؛ سالیان سال پیش از این، جاده‌های حوالی ارومیه، یک قهوه‌خانه بین راهی و بساط چای‌وقلیان؛ مرد قهوه‌چی، عکس سوپراستارهای سینما را روی سینی‌های چایش می‌چسباند تا مشتری بیشتری جلب کند. مرد قهوه‌چی اهل سینما نبود اما می‌شنید جوانان چه پولی بالای عکس هنرپیشه‌ها و بلیت سینما می‌دهند، بنابراین با این ایده می‌خواست به کاسبی‌اش رونقی دهد، مرد قهوه‌چی نمی‌دانست با این ظرف خرما روی عکس سوپراستار سینما چه پیش‌بینی کرده است. از شما چه پنهان همین عکس بهانه نگارش این متن شد؛ راستی این سالن‌های خالی مرا وامی‌دارد از شما بپرسم با کدام‌یک از دوگانه تیتر موافقید؟

۵- عکس «گاوگریان» عباس کیارستمی در دومین حراج تهران ۷۰میلیون‌تومان به فروش رسید؛ او گران‌ترین عکاس خاورمیانه است، رکوردش خیلی بیش از اینها هم هست: «آوریل ۲۰۰۷ حدود ۱۲۰هزاردلار»؛ سخت‌گیری به خود در ارایه اثر شایسته، محترم‌دانستن مخاطب و حرمت قایل‌شدن برای امضای خود، هنرمند را بر صدر می‌نشاند، صد البته نه امشب و فردا شب؛ تازه سالن‌های سینما را هم از این سوت و کوری در می‌آورد.

خبر

رهنما و فراست در برج میلاد

● **شرق:** در شب پنجم از شب‌های داستان که در برج میلاد تهران برگزار می‌شود، پدرام رضایی‌زاده، بهاره رهنما، قاسمعلی فراست، یاسر نوروزی و امیرحسین یزدان‌بد داستان‌های خود را برای مخاطبان می‌خوانند. این پنج نویسنده از ساعت ۱۸ روز شنبه هفتم دی به مرکز همایش‌های برج میلاد می‌روند و داستان‌های خود را برای علاقه‌مندان می‌خوانند.

هفت جهان

اقدام خیرخواهانه در حمایت از مصیبت‌زدگان

آواز «سامی یوسف» برای فیلیپین توفان‌زده

نیما توسلی

«سامی یوسف» آهنگ جدیدی را برای نجات‌یافتگان توفان فیلیپین سروده است. این آهنگ که با اهداف خیرخواهانه سروده شده، درواقع کمپینی برای همکاری با برنامه تهیه غذای جهانی سازمان‌ملل (WFP) است تا افراد ساکن در اقصی‌نقاط جهان را تحریک کند که کمک‌های مالی خود را در حمایت از خانواده‌هایی که تحت‌تاثیر توفان‌های قدرتمندی که تاکنون جهان شاهد آن نبوده و در فیلیپین رخ داده، فزونی بخشند. مسوول اطلاع‌رسانی برنامه‌های سامی یوسف، خواننده مسلمان، سه‌شنبه ۲۴ دسامبر ۲۰۱۳ از طریق ایمیلی به روزنامه «شرق» خبر داد که این آهنگ که «امیدوار است زنده بماند (hopes Survives)» نام دارد، بنا به اعلام رسمی سایت اطلاع‌رسانی فعالیت‌های سامی یوسف، در سایت رسمی او «www. samiyusufofficial. com» بارگذاری شده و امکان دانلود آن به‌صورت رایگان وجود دارد. این سایت اعلام کرده که این آهنگ، هدیه سامی یوسف به میلیون‌هانفری است که از توفان آسیب دیده‌اند و دعوتی است از طرفدارانش و عموم مردم جهان که به WFP در تامین مالی برنامه‌های کمک‌رسانی و تهیه غذا کمک کنند. سامی یوسف اظهار کرده «مانند هر کس دیگری در جهان، قلب من نیز، وقتی به این موضوع فکر می‌کنم که افرادی در فیلیپین به‌تازگی خانواده، دوستان و همسایگان خود را به‌خاطر سیل و توفان از دست داده‌اند و طی چند ساعت اینچنین داغدار و مصیبت‌زده شده‌اند به درد آمده است. این آهنگ، ادای احترام من به شهامت و تحمل آنهاست و در عین حال دعوت عمومی من از جهانیان که تا جایی که توان داریم برای آنها کاری انجام دهیم.» هشتم نوامبر یعنی حدود هفت هفته پیش بود که مرکز فیلیپین با مرگ و خرابی مواجه شد و در حال حاضر میلیون‌ها انسان به کمک اضطراری نیازمند هستند. WFP از همان ابتدا به کمک آنها شتافت و از طریق بیسکویت‌های مقوی ویژه‌ای که به‌راحتی قابل حمل و مخصوصا برای کودکان

بسیار مفید هستند، اقدامات اولیه کمک‌رسانی را انجام داد. کمک‌های بعدی WFP شامل ۱۱هزارتن مواد غذایی مورد نیاز آسیب‌دیدگان شامل برنج و بیسکویت‌های پرانرژی و غذاهای ویژه کودکان برای حدود سه‌میلیون افراد نیازمند در فیلیپین می‌شود و کماکان نیاز به غذاهای بیشتر به‌عنوان اولویت اول امدادرسانی و نجات کودکان از سوءتغذیه کماکان وجود دارد. مسوول امور داخلی کشور فیلیپین، پراوین آگراوال، ضمن تقدیر از اقدام سامی یوسف ابراز امیدواری کرده که دعوت عمومی او از جهان موجب شود تا مردم کمک‌های بیشتری روانه خانواده‌های قربانیان سیل اخیر فیلیپین کنند تا امکان بازسازی و نجات بازماندگان، بیش از پیش فراهم شود. این کمک‌ها از طریق آنلاین در سایت «wfp.org/Live-FeedPhilippines» قابل انجام است و هر ۷۵دلار آمریکا می‌تواند غذای یک خانواده را برای یک‌ماه فراهم کند. سامی یوسف، این خواننده و آهنگساز مسلمان ساکن بریتانیا، توسط مجله «تایم» به‌عنوان بزرگ‌ترین ستاره راک جهان اسلام معرفی شده و مجله «گاردین» نیز او را معروف‌ترین بریتانیایی مسلمان در جهان خوانده است. او که متولد تهران است، با این اقدام خود کمک شایان‌توجهی به WFP در اجرای برنامه تهیه غذا برای نجات‌یافتگان فیلیپینی کرده است. او پیش‌تر نیز ویدیوکلیپی را با عنوان «وعده‌های فراموش‌شده (forgotten Promises)»، برای مردم قحطی‌زده شمال‌آفریقا اجرا کرده بود؛ اجرایی که از زمان بارگذاری در یوتیوب از سال ۲۰۱۲ تاکنون، بیش از پنج‌میلیون‌بار مشاهده شده است. از دیگر اقدامات خیرخواهانه مشابه سامی یوسف می‌توان به بازدید اخیر او از کمپ آوارگان اردن و همچنین ابراز همدردی با خانواده‌های گرفتار در حوادث اخیر سوریه اشاره کرد. او ابراز امیدواری کرده که اقدام اخیرش بتواند زنجیره جدید همبستگی را برای غذارسانی به مردم فیلیپین، محکم‌تر کند.

عکس: خبر آنلاین

برپایی نشست خبری در واکنش به اتهامات «قزوه»

«خانه شاعران»: شکایت می‌کنیم

شرق: حکایت «خانه شاعران» و علیرضا قزوه، رییس دفتر آفرینش‌های هنری حوزه هنری تکرار ماجرای اهالی سینما و فرج‌الله سلحشور شده است. هرچند در ورژن سینمایی، سلحشور یک‌تنه کل جریان سینما را به فساد متهم کرد اما اینجا قزوه، خانه شاعران را با اتهام‌های مختلفی روبه‌رو کرده و گفته: «خانه ضدشعر و فتنه‌ساز شده و فکر می‌کنم دیگر چاره‌ای نداریم؛ جز اینکه این خانه که از اموال بیت‌المال است را از دست این چهار، پنج‌نفر حاضر در آن خارج کنیم.» قزوه خانه شاعران را متهم کرد که یک‌میلیاردتومان پول گرفته و کمتر خروجی داده است. به‌دنبال این اتهامات، هیات‌مدیره خانه شاعران که به‌صورت انفرادی نیز واکنش‌هایی را به این صحبت‌ها نشان داده بود؛ در نشستی خبری ضمن پاسخ به برخی از آنها اعلام کردند از قزوه شکایت خواهند کرد. در این نشست فاطمه راکعی از عضویت خودش در حزب مشارکت، ساعد باقری درباره بودجه انجمن شاعران ایران و سهیل محمودی در مورد نوع تفکر و گرایش انجمن شاعران نکاتی را مطرح کردند. در این نشست خبری، راکعی با تاکید بر غیردولتی بودن این انجمن به برنامه‌های مشترکی اشاره کرد که قرار بوده با وزارت ارشاد به‌صورت مشترک انجام دهند ولی طی هشت‌سال گذشته هیچ کدام عملی نشده است: «مطابق با اساسنامه؛ سیدحسن حسینی، قیصر امین‌پور، مشفق کاشانی، ساعد باقری و من هیات‌مدیره انجمن را تشکیل دادیم و سهیل محمودی و افشین اعلا نیز در ادامه به هیات‌مدیره اضافه شدند. همچنین بسیاری از شاعران برجسته کشور عضو مجمع عمومی این انجمن شده‌اند.» او همچنین درباره ساختمان انجمن که توسط شهرداری منطقه سه در اختیار انجمن شاعران قرار گرفته، توضیحاتی داد. راکعی با اشاره به سابقه‌اش در حزب مشارکت گفت که قزوه می‌خواست او را به خاطر حضورش در این حزب محاکمه کند و تاکید کرد که عقاید سیاسی در انجمن شاعران ملاک نیست. او افزود: «ما در «خانه شاعران» آنقدر دموکرات هستیم و دموکراسی‌مان را هم از اصل اسلام گرفته‌ایم که به عقاید سیاسی آدم‌ها کار نداشته باشیم. یک‌بار هم به خودم اجازه نداده‌ام از کسی درباره مشی سیاسی‌اش سوال کنم. مثلا استاد مشفق کاشانی که عضو انجمن قلم هم هستند و با این حال اینجا ریاست هیات‌مدیره را برعهده دارند. حضور من در اینجا به معنی آن است که من در این نهاد فقط در خدمت آن هستم و اگر برادرانم مرا لایق دانسته‌اند که امور مدیریتی اینجا را به من بسپارند باعث افتخار من است.» ماجرای اختلافی که قزوه با فرزندان سلمان هراتی در مراسم امسال او پیدا کرده بود و صحبت‌هایی درباره آنها کرده بود یکی دیگر از موضوعاتی بود که در این نشست به آن پرداخته شد. سهیل محمودی به این مساله اشاره کرد و با انتقاد از تهمت‌ها و پرونده‌سازی‌هایی که قزوه علیه فرزندان هراتی کرده است، گفت: «چرا برای این بچه‌ها آن هم در یک شهر کوچک پرونده‌سازی می‌کنی؟ شرف و حیثیت تو کجاست؟ اگر دو نفر لات با سخنان تو تهییج شوند و بروند به این بچه‌ها تعرضی کنند، جواب خانم هراتی که بیست وچندسال با عفت و پاکدامنی این دو بچه را بزرگ کرده چه می‌دهی؟» وی با رد تمامی اظهارات علیرضا قزوه درباره وجوهی که طبق ادعای او، «خانه شاعران» به‌عنوان بودجه دریافت می‌کرده است، گفت: گویا آقای قزوه فرق بین بودجه و اعتبار را نمی‌داند. نمی‌داند که وقتی می‌گوید اعتبار، یعنی اینکه باید کاری انجام شود تا این اعتبار به آن تعلق گیرد و ظاهرا ایشان در فضای مدیریتی که کار می‌کند از هزینه پرسنل و هزینه آب و برق خبر ندارد و نمی‌داند روشن‌ماندن یک لامپ هم، هزینه دارد و باید پرداخت شود. مبلغ سالی ۲۰۰میلیون‌تومان برای انجمن و ۲۰۰میلیون‌تومان برای دفتر شعر جوان که تا قبل از سال ۸۴ پرداخت می‌شد، تنها اعتبار بود، نه بودجه. یعنی ما در قبال فعالیت‌های خود امکان استفاده از این مبلغ را داشته‌ایم. قزوه در صحبت‌های خود گفته بود که هیات‌مدیره «خانه شاعران» با پول بیت‌المال خانه و زن عوض کرده‌اند. محمودی با بیان اینکه این سخن قزوه زندگی‌ها را نابود می‌کند، از تبعات سخنان قزوه گفت: «فقط آبروی آدم‌ها نیست که با این حرف‌ها می‌رود، زندگی‌ها را هم نابود می‌کند. آیا این حرف‌ها باعث نمی‌شود همسران ما به‌حق بپرسند که ماجرا چیست و کدام شما زن عوض کرده‌اید؟»

باقری با اشاره به سخنان قزوه در مورد زمینی که در اختیار این انجمن قرار گرفته با سندی که در دست داشت را نشان داد و گفت: «اولا ما ناچار شدیم توضیح دهیم خانه هنرمندان که سال‌هاست در پی تشکیل و ساماندهی تعاونی مسکن است، بانی این کار بوده است. یک سند را هم دیروز در سایت منتشر کردیم و آن نامه‌ای است که از ما خواسته شده اسم کسانی که می‌خواهند خانه بگیرند را به آنها بدهیم. در آن فهرست نام هیچ‌یک از اعضای هیات‌مدیره انجمن نیست و شاعرانی که مطرح شده‌اند متعلق به نحله‌های متفاوت و متنوع شعری و فکری‌اند.» در این نشست هیات‌مدیره «خانه شاعران» اعلام کردند که از قزوه شکایت خواهند کرد. البته قزوه در پاسخ به صحبت‌های مطرح شده در وبلاگ خود با دفاع از حرف‌هایی که زده سهیل محمودی و فاطمه راکعی و ساعد باقری را به مناظره خواست. او در این یادداشت درباره این مطلب که با پول بیت‌المال خانه و زنشان را عوض کرده‌اند نوشته که آن حرف‌ها از دهنش پریده، اما همچنان بر گفته‌های پیشین خود در موارد دیگر پای فشرده و به گرفتن «خانه شاعران» از جمع هیات‌مدیره فعلی اصرار ورزیده است.

گزارش «نیویورک‌تایمز» از نمایشگاه زنان عکاس خاورمیانه

زنانی که پشت نقاب ضعیف نیستند

سحر آزاد

شرق: نمایشگاهی از ۱۲ زن ایرانی و عرب در موزه شهر بوستون در حال برپایی است. این نمایشگاه که «She Who Tells a Story» «زنان روایت‌گر» نام دارد، از ۲۹سپتامبر برابر با هفتم مهر آغاز شد و تا ۱۲ژانویه ادامه دارد. در این نمایشگاه عکس‌های گوهر دشتی، شادی قدیریان، نیوشا توکلیان و شیرین نشاط از ایران و جان العانی، بشرا المتوکل، رانا النمر، لالاسیدی، تانیا حاجوک، رولاحلاوانی، نرمین حمام و رانیا مطر از دنیای عرب به روی دیوار رفته است.

پیش از برگزاری نمایشگاه، روزنامه «نیویورک‌تایمز» در گزارشی به این موضوع پرداخت و برای دومین‌بار این روزنامه در نگاهی به آثار به نمایش گذاشته‌شده، عکس‌های زنان ایرانی و عرب را مورد نقد قرار داده است. ویکی گلدبرگ، نویسنده این مطلب در آغاز گزارش خود به موقعیت زنان خاورمیانه اشاره کرده و گفته است: «زنان خاورمیانه ظاهرا در پشت نقاب و دیوارها ضعیف و مظلوم به‌نظر می‌رسند اما درواقع آنها بر جامعه و هنر منطقه‌شان نفوذ دارند. آنها نقش مهمی در بهار عربی و شکوفاشدن مراحل هنری در منطقه بازی کرده‌اند به خصوص در عکاسی که پویا و بسیار واقعی است.» او در ادامه با بیان اینکه بسیاری از عکاسان خاورمیانه برای عکاسی با چالش روبه‌رو هستند، در گفت‌وگویی با کریستین گرش، نمایشگاه‌گردان نمایشگاه می‌گوید: «۱۲ عکاس قصد داشته‌اند موقعیت‌های دوگانه مریی و نامریی، مجوز و ممنوعیت، صحبت و سکوت و شرایط کسل کننده و ناگهانی را کشف کنند.» در همین حال تصویری که برای پوستر و کاتالوگ نمایشگاه انتخاب شده، یکی از عکس‌های گوهر دشتی از مجموعه «زندگی امروز و جنگ» است. او در ابتدای کاتالوگ در مورد این عکس نوشته است: «تصویر انتخاب‌شده زندگی را که با جنگ همراه است، نشان می‌دهد. مجموعه‌ای در یک چشم‌انداز یکنواخت و خسته‌کننده. عکس زنی را با لباس عروسی در یک ماشین که نمادی از یک وسیله نقلیه نامطمئن برای شروع یک زندگی جدید است، نمایش داده است که مربوط به سال ۲۰۰۸ است. این عکس از مجموعه «زندگی امروز و جنگ» انتخاب شده که شامل ۱۰روایت از زن و شوهرها با تمرکز بر مناظر است و ناگفته‌های زیادی را از جنگ بیان می‌کند.» نیویورک‌تایمز سپس عنوان می‌کند که کارکردن برای زنان عکاس خاورمیانه

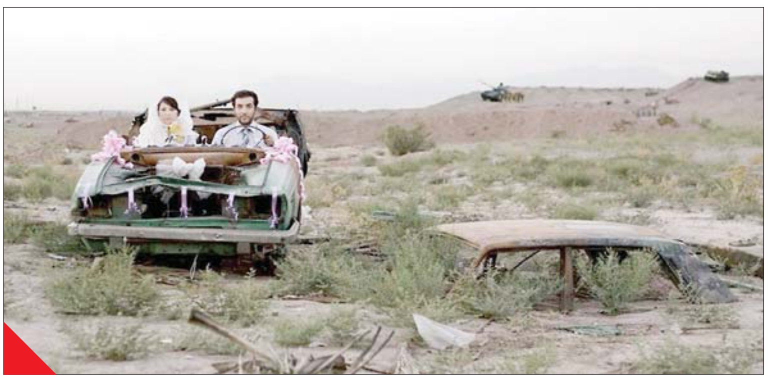

عکس: گوهر دشتی

همیشه آسان نبوده است و در ادامه به تجربه‌ای از بوشرا المتوکل، یکی از عکاسان شرکت‌کننده در این نمایشگاه استناد می‌کند: «بشرا المتوکل که متولد یمن است، تعریف می‌کند، یک‌بار مردی از او پرسید چه‌کاری انجام می‌دهی و او هم پاسخ داده که یک عکاس است. آن مرد با کنایه گفته که سرگرمی خوبی است.»

المتوکل درباره دیگر سختی‌هایی که به‌عنوان یک عکاس زن دارد، می‌گوید: «در اولین نمایشگاه بسیار عصبی بودم به‌دلیل اینکه بیشتر عکس‌ها، تصویر خودم بود و وقتی مادرم آنها را دید گفت که چه کسی تصاویر خودش را نشان می‌دهد؟ من‌هم جواب دادم که اینها هنر هستند و در یک موزه قرار داده شده‌اند اما مادرم باز هم سوال خودش را تکرار کرد.» پس از آن نیویورک‌تایمز به سراغ عکاسان زن ایرانی می‌رود و از قول گوهر دشتی، یکی از عکاسان شرکت‌کننده می‌گوید: «بعد از انتخابات ۱۹۹۷ صدها گالری به طور ناگهانی در آپارتمان‌های خصوصی ظهور پیدا کردند و به‌طور معمول صدنفر در افتتاحیه نمایشگاه بودند.» نیوشا توکلیان، دیگر عکاس ایرانی نمایشگاه نیز در گفت‌وگو با این روزنامه با بیان اینکه پیام‌های پنهانی آثار از سوی آنها که به گالری می‌روند، به راحتی دریافت می‌شود، اظهار می‌کند: «ممکن است بینندگان غربی نیز متوجه پیام درونی آثار شوند و حتی ممکن است برای آنها بار معنایی این کارها بیشتر از ظرافت‌های زیبایی‌شناسانه باشد.» گلدبرگ همچنین نگاهی به مجموعه عکس‌های شادی قدیریان داشته است: «قدیریان در عکس‌هایش، زنان محجبه‌ای را نشان می‌دهد که سر و بدن‌هایشان پوشیده شده است. با اینکه مانند قرن نوزدهم هستند اما با اشیایی همچون قوطی‌های پپسی، معاصر شده‌اند و همین موضوع اذعان می‌کند که تغییرات تاریخی در زندگی و حتی عکاسی نیز وارد می‌شود.» نویسنده نگاهی نیز به مجموعه‌های دیگر عکاسان حاضر در نمایشگاه داشته و با مرور آثار نمایشگاه «زنان روایتگر» نتیجه می‌گیرد: «برخی از آثار نمایشگاه به خصوص برای بخشی از بازدیدکنندگان غربی مبهم هستند اما ۱۲ زن ایرانی و عرب با اینکه همگی به‌صورت انفرادی کار کرده‌اند، تاکید دارند که عکاسی باوجود محدودیت‌هایی که برایشان دارد، می‌تواند روایت‌هایی را که در اذهان ما مورد تردید قرار دارد، از بین ببرد.»

فیلمنامه جدید بهمن فرمان‌آرا، پروانه ساخت گرفت

بالاخره فیلمنامه جدید بهمن فرمان‌آرا با عنوان «دلم می‌خواد» پروانه ساخت دریافت کرد و قرار است ۲۰دی کلید بخورد. این فیلمساز صاحب‌نام سینمای ایران به‌مدت چهارسال خودخواسته از فعالیت‌های سینمایی کناره‌گیری کرده بود و قرار است با ساخت فیلم «دلم می‌خواد» دوباره به سینما بازگردد. او در جدیدترین گفت‌وگوی خود با «شرق» دلیل دوری‌اش از سینما را چنین عنوان کرد: «در چهارسال گذشته تحت هیچ شرایطی نمی‌توانستم با مدیران قبلی کار کنم. چون نه مدیریت داشتند، نه سلیقه و خواسته‌هایشان مطابق میل من بود. با هیچ‌کدام از قواعد سینما آشنا نبودند. البته بیشتر مشکل از ندانستن آنها نبود. مشکل این بود که به نظرشان همه‌چیز را می‌دانستند. اینکه یک مدیر ادعا کند من در تهران با لابی باعث شدم که آقای فرهادی اسکار بگیرد، نشان‌دهنده نادانی مجموعه‌ای است که در آن کار می‌کند.» او در ادامه استقرار دولت تدبیر و امید را انگیزه لازم برای بازگشتش به سینمای ایران عنوان کرد و تفاوت‌های مدیریت فعلی سینما با مدیریت گذشته را چنین توصیف کرد: «مثل این است که از من بپرسید تفاوت آفتاب و تاریکی را در چه می‌بینم. تا این حد متفاوت است. این مدیران فرهنگ را می‌شناسند و نگرشی که دارند از نظر کاری مثبت است.» فیلم «دلم می‌خواد» موضوعی اجتماعی دارد که با طنز همراه است. بهمن فرمان‌آرا فیلمنامه آن را با یک نویسنده جوان نوشته است و تهیه‌کنندگی این فیلم به‌عهده علی تقی‌پور خواهد بود.

چهره روز

چیزهای عجیب ذهن «پاموک» به بازار می‌آید

● **شرق:** «اورهان پاموک» در کمتر از چهارسال از انتشار و افتتاح موزه معصومیت، رمان تازه خود را به دست ناشر می‌سپارد؛ رکوردی که نسبت به دو کتاب قبلی‌اش یعنی موزه معصومیت و نام من سرخ، رکورد خوبی برای برنده نوبل ۲۰۰۷ است. پاموک در حاشیه برگزاری جایزه مقدونیه گفت: «به‌تازگی رمان «چیزی عجیب در ذهن من» را به پایان برده‌ام و این کتاب در آینده‌ای نزدیک راهی قفسه‌های کتابفروشی‌ها خواهد شد.» پاموک درباره جزییات این داستان توضیح خاصی نداده است، اما پیشتر گفته بود که داستان این کتاب هم مانند سایر آثارش در استانبول، زادگاهش رخ می‌دهد و درباره زندگی فروشنده نوعی شربت است که در این شهر زندگی می‌کند. او پیش از این در گفت‌وگو با روزنامه حریت گفته است که این بخشی از کودکی اوست در شهری که در آن زندگی کرده است: «چیزی عجیب در ذهن من درباره رویاهای من است. سمت مرموزی از تاریخ و خاطرات از دوران کودکی و دوران مدرسه من.» پاموک در حاشیه دریافت جایزه ادبی مقدونیه البته بار دیگر از وضعیت سیاسی ترکیه انتقاد کرده است. او با اشاره به وضعیت آزادی ادبی در کشورش گفت: «در این کشور نویسندگان آزاد هستند تا در زمینه‌های موردنظرشان کار کنند» و افزود: «اما اگر آنها مشکلات موجود را در ادبیات خودشان منعکس کنند، دردسرشان شروع می‌شود.» او با تاکید بر اینکه روزنامه‌نگاران در ترکیه تحت‌فشار هستند، گفت: «اگر شما بنویسید، به دردسر می‌افتید و از حقوق اجتماعی خود محروم می‌شوید. این فشارها بر روزنامه‌نگاران و آنهایی که غذای خبری جامعه را فراهم می‌کنند وارد می‌شود... بگذارید بگویم که آزادی اندیشه در بدترین موقعیت خودش در کشور من است، اما در گذشته هم وضعیت بهتری وجود نداشت.» پاموک روز ۲۶ دسامبر- پنجشنبه پنجم آذر- به‌عنوان منتخب مقدونیه برای دریافت جایزه بین‌المللی ادبیات این کشور با عنوان تابرناکول، مجسمه‌ای که ساخت گوران استامنوکف بود، مبلغ پنج‌هزاریورو را همراه سکه طلایی که نام وی بر آن حک شده بود، دریافت کرد. ویکتور ارافیف، نویسنده روسی و خالق استالین خوب، نویسنده دیگری بود که در کنار پاموک به‌عنوان برنده امسال انتخاب شده بود. همزمان با انتشار این نسخه ترکی کتاب در ترکیه قرار است ترجمه انگلیسی نیز منتشر شود. همچنین در ایران، ارسلان فصیحی از سپردن نخستین رمان پاموک - آقای جودت و پسران - به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داده است.

زیر آسمان فیروزه‌ای

آلبوم مشترک هنگامه قاضیانی و شهاب حسینی

● **فرانک آرتا:** شهاب حسینی و هنگامه قاضیانی مجموعه اشعار متعلق به محمدهادی کریمی را می‌خوانند. محمدهادی کریمی که به‌عنوان فیلمنامه‌نویس و کارگردان سینما شناخته شده، برای نخستین‌بار به پیشنهاد شهاب حسینی مجموعه اشعار خود را به شکل Audio Book منتشر می‌کند. این کارگردان سینما در گفت‌وگوی اختصاصی با «شرق» عنوان کرد: «از تعدادی از این اشعار در فیلم «برف روی شیروانی داغ» استفاده شده بود و از آنجا که این اشعار بدون اشاره به منبعش در فضای مجازی منتشر شده، به پیشنهاد شهاب حسینی پیش از فیلمبرداری فیلم «ساکن طبقه وسط» قرار شد به شکل Audio Book خوانده شود که امیدوارم اسفندماه در اختیار مخاطبان قرار گیرد.» وی درادامه درخصوص چاپ کتاب این اشعار توسط انتشارات «نگاه» عنوان کرد: «سال گذشته جهت دریافت مجوز چاپ، انتشارات «نگاه» مجموعه اشعار را به وزارت ارشاد تحویل داد ولی با گذشت یک‌سال تازه دوهفته پیش مجوز آن صادر شد و قرار است دی‌ماه روانه بازار شود. عنوان این کتاب شعر «برف روی شیروانی داغ خواهد بود.» لازم به توضیح است، هم‌اکنون ضبط این آلبوم صوتی توسط شهاب حسینی و هنگامه قاضیانی در استودیو آفتاب عالمتاب شروع شده «فرید سمواتی»، تهیه‌کنندگی و «هلیا راجی»، مجری طرح، این اثر را برعهده دارند و قرار است این آلبوم در قالب اولین مجموعه تحت‌عنوان «نواهای ماندگار» در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

پنجمین همایش وقف و رسانه
وقف، رسانه و حماسه اقتصادی
هشتم دی‌ماه هزار و سیصد و نود و دو، تالار وحدت
سازمان اوقاف و امور خیریه
م/الف ۷۷۷۷۳۳